

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۹

ائتلاف عربی از هم فروپاشیده است

عربستان سعودی و امارات در سال ۱۳۹۴ با تشکیل «ائتلاف اسلامی» به یمن، این فقیرترین کشور عربی حمله بردند. البته آنها با ادعای «بازگشت آرامش به یمن» تجاوز را آغاز کردند، ولی امروز بعد از گذشت ۴ سال با ویران ساختن این کشور و به جای گذاردن ۱۰۰ هزار کشته و زخمی و آواره ساختن میلیون‌ها انسان، کماکان به جنایات خود ادامه می‌دهند، زیرا هدف عربستان سلطه بر کشور یمن است و این خواست اربابش، امریکاست. به گزارش کمیساریای پناهندگان ملل متحد، جنگ یمن قریب به ۲ میلیون نفر را آواره کرده و ۲۲ میلیون از ۲۷ میلیون نفر جمعیت این کشور را چشم به راه کمک‌های «بشر دوستانه» ساخته است. از آغاز درگیری‌ها حداقل ۸۳ هزار غیر نظامی از جمله ۱۲۸۳ کودک کشته شده‌اند.

علت جنگ یمن را به طور عمده باید در اهداف ستراتیژیک امریکا جست و جو کرد. یکی از اهداف آنها کنترل همه راه‌های آبی خلیج عدن از یمن تا سواحل سومالی و در عین حال سلطه بر اقیانوس هند و خلیج فارس و بالاخره تنگه باب‌المندب است که از طریق کانال سوئز راه تجارت نفت و کالای شرق به غرب و به عکس را تأمین می‌کند. تجاوز عربستان و متحدینش به یمن، که مردمش خواهان حفظ استقلال و تمامیت ارضی خویش‌اند، در واقع در خدمت همین هدف ستراتیژیک امپریالیسم امریکا و کل کشورهای امپریالیستی غرب است، که در این تجاوز مستقیم و غیر مستقیم سهیم‌اند و نه آنگونه که ادعا می‌شود، خاموش کردن شعله «درگیری شیعه و سنی»! هدف عربستان از میان برداشتن استقلال یمن است.

رئیس جمهور امریکا در خرداد ماه [جوزا] گذشته به دلیل «وضعیت اضطراری تنش با ایران» تصمیم فروش ۸ میلیارد دلار اسلحه به عربستان را عملی ساخت. علاوه بر این عربستان موافقت خود را با مستقر ساختن سربازان امریکایی در کشورش اعلام کرد. ناگفته نماند که عربستان در جنگ با حوثی‌ها، که کنترل بخش وسیعی از یمن را در اختیار دارند، از کمک تدارکاتی و دیپلماتیک امریکا نیز برخوردار است. سایر کشورهای امپریالیستی از جمله فرانسه، انگلستان و المان نیز هر یک از ظن خود در سرکوب خلق یمن یار عربستان و «ائتلاف اسلامی» او شده‌اند و آنها را تا دندان مسلح می‌کنند، ولی کمک‌های ناچیز ایران به حوثی‌ها را که مبتنی بر تقاضای حوثی‌ها از ایران است، کوشش کردند با ارائه طرح پیشنهاد یک قطعنامه به ملل متحد محکوم کنند، که با وتوی روسیه مواجه شد.

برای نمونه تانک، توپ، هواپیما، هلیکوپتر، راکت، زره پوش، رادار و ناوچه بخشی از تسلیحاتی هستند که تنها امپریالیسم فرانسه به عربستان سعودی و امارات فروخته است. به استناد اسناد محرمانه وزارت دفاع فرانسه این سلاح‌ها

در جنگ علیه یمن به کار گرفته شده‌اند. اداره اطلاعات نظامی فرانسه در سپتامبر سال گذشته طی یک گزارش ۱۵ صفحه‌ای تحت عنوان «یمن، شرایط امنیتی» به مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، فاش ساخت که «عربستان از سلاح‌های فرانسوی در تمام جبهه‌ها علیه یمن استفاده کرده است. تنها بین ماه مارچ تا دسامبر ۲۰۱۸، ۳۸ غیر نظامی توسط تانک‌های فرانسوی در یمن و نیز ۵۵ غیر نظامی در بندر الحُدیده کشته شده‌اند. ناوچه‌های فرانسوی در محاصره یمن جلوی کمک‌های بشردوستانه ارسال غذا و دارو را که برای مردم محروم این کشور از جانب جامعه جهانی در نظر گرفته شده‌اند، می‌گیرند. امارات نیز از هواپیماهای فرانسوی برای بمباران یمن استفاده کرده است» (از گزارش اطلاعات نظامی فرانسه). «ائتلاف» به رهبری عربستان تاکنون حدود ۲۴ هزار حمله هوایی در خاک یمن انجام داده است. علی‌رغم این امپریالیسم فرانسه کماکان به عربستان اسلحه می‌فروشد و قرار است که ۱۴۷ تانک تا سال ۲۰۲۳ تحویل عربستان دهد! در ضمن شرکت «نکستر» قرار است تعدادی زرهپوش و تانک نیز به عربستان تحویل دهد. به این ترتیب فرانسه بعد از آمریکا یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان اسلحه برای عربستان در جنگ یمن به شمار می‌آید. البته امپریالیست‌های آلمان و انگلستان نیز دست کمی از سایرین ندارند که ما برای جلوگیری از اطالة کلام از ذکر جزئیات آنها خودداری می‌کنیم. آنها خود، عربستان و امارات را با مدرن‌ترین سلاح‌ها تجهیز می‌کنند، ولی با وقاحت مدعی‌اند که سلاح‌های حوثی‌ها منطقه را به خطر می‌اندازد.

علی‌رغم برخورداری «ائتلاف اسلامی» از حجم عظیم اسلحه و نیروهای مزدور سودانی و کلمبیایی، در اثر مقاومت مردم یمن، که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشورشان می‌رزمند، عملاً شکست خورده و در حال فروپاشی است. به ویژه از زمان حمله ۱۰ پهباد [درون] حوثی‌ها به میدان گازی «الشیبه» عربستان، نه تنها سران این کشور را به وحشت انداخته، بلکه امارات را نیز به فکر واداشته است. زیرا که با اولین حمله راکتی و یا پهبادی حوثی‌ها به این کشور، نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان. نه سرمایه‌گذاران خارجی در آنجا یک لحظه بند خواهند شد و نه این که قادر خواهند بود کارگران خارجی شاغل در این کشور را به ماندن ترغیب کنند.

«ائتلاف اسلامی» به معنای واقعی کلمه از هم فروپاشیده است. ابتداء مصر و پاکستان به دلایل مخالفت‌های داخلی از شرکت نظامی در «ائتلاف» سرباز زدند، سپس سودان پس از شکست مفتضحانه «ائتلاف اسلامی» در بندر «الحُدیده» نیروهای خود را بیرون کشید. «وضاح الدبیش»، سخنگوی نیروهای مشترک در جبهه ساحل غربی یمن، علناً اعلام کرد که «نیروهای سودانی از این جبهه و نیز از سه منطقه محل حضور خود عقب نشستند». اکنون نوبت به امارات، این مهم‌ترین یار عربستان رسیده است. امارات نیز چندی پیش اعلام کرد که نیروهای خود را در بندر عدن و غرب یمن کاهش داده است. البته امارات ادعا کرد که حضور نظامی‌اش را در یمن به دلیل عهدنامه آتش‌بس بندر الحُدیده (که پس از شکست «ائتلاف اسلامی» در این بندر به امضاء رسید - توفان) کاهش داده است. در ۲۲ آذر [فوس] سال گذشته پس از شکست سنگین «ائتلاف اسلامی» به دست حوثی‌ها در بندر مهم «الحُدیده»، که شاه‌رگ ارسال کمک‌های انسانی به مردم رنج‌دیده یمن نیز به شمار می‌آید، قرارداد آتش‌بسی در سویدن میان هواداران دولت در تبعید «منصور هادی» (بخوان «ائتلاف») و حوثی‌ها منعقد شد، که نیروهای «ائتلاف اسلامی» تاکنون بارها آن را شکسته‌اند. یک فرمانده ارشد ارتش امارات، که نخواست نامش فاش شود، در مورد کاهش نیروهای اماراتی در یمن به رویترز گفت: «این یک تصمیم دقیقه نودی نبود. ما بیش از یکسال در مورد آن برنامه‌ریزی کردیم». امارات تاکنون تعداد زیادی تانک و هلیکوپتر و راکت پاتریوت خود را از اطراف بحیره سرخ خارج کرده است. این کشور اکثر نیروهای پیاده نظام خود را از بندر ستراتیژیک الحُدیده نیز خارج کرده است... این فرمانده اضافه می‌کند که «... ما قصد داریم ستراتیژی خود را در یمن از بُعد نظامی به فاز صلح تغییر دهیم!» این سخن معنای دیگری جز شکست ندارد.

اکنون امارات در صدد تجدید رابطه با ایران است. حتی در ماه گذشته یک هیأت بلندپایه نظامی اماراتی را جهت مذاکره راهی ایران کرده است، زیرا که تحولات جنگ در یمن، جدا از تنش‌های ایران با «ائتلاف اسلامی» و امریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز نیست. همه می‌دانند که جنبش «انصارالله» و همپیمانانش از جانب ایران حمایت می‌شوند و حمله راکتی و پهپادی حوثی‌ها به عربستان و میدان گاز «الشیبه» که باعث وحشت عربستان، امریکا و امارات شده است، به نفع ایران تمام شده است. در گذشته نیز حوثی‌ها با استفاده از ۷ پهپاد خطوط انتقال نفت عربستان را منهدم کرده بودند. این نوع حملات بیانگر آن است که ستراتیژی حوثی‌ها برای شکست عربستان نشان‌گرفتن نفت و گاز، این شاه‌رگ حیاتی عربستان است. حتی «رأی‌الیوم» نوشت «حمله ۱۰ پهپاد انصارالله یمن به میدان نفتی «الشیبه» و پالایشگاه وابسته به شرکت آرامکوی عربستان، یک تحول مهم در جنگ یمن محسوب می‌شود»، زیرا که این حملات می‌تواند سایر میادین نظیر «الغوار» را نیز هدف گیرد. طرفه این که نه رادارهای مدرن و نه دستگاه‌های راکتی پاتریوت هیچ یک نتوانستند حمله پهپادهای حوثی‌ها را دفع کنند. جالب اینجاست که این حملات از وارد آوردن خسارت به شهروندان سعودی خودداری کردند. مصون گذاردن امارات از این حمله نیز پاداشی به امارات برای خروج از یمن به شمار می‌آید. استفاده از پهپاد به ضد قدرت برتر یک سیاست ستراتیژیک ایران است که توازن قواء را در منطقه و کشورهای آسیب‌پذیر به هم زده و نشان داده است که با هزینه کم می‌شود نتایج نظامی و سیاسی بهتر به دست آورد. امپریالیسم هنوز در مقابل این تکنیک نظامی راه حلی نیافته است. استفاده از پهپاد به ضد امارات متحده عربی می‌تواند در عرض مدت کوتاهی اقتصاد آنها را فلج کند.

حملات پهپاد را شاید بتوان تیر خلاص به «ائتلاف عربی» که خود در حال فروپاشی است، تلقی کرد. زیرا اکنون مصر و پاکستان در این «ائتلاف» شرکت ندارند و نیروهای سودانی هم خارج شده‌اند. از ۱۰ هزار سرباز اماراتی قریب به ۷۵ درصد از یمن تخلیه شده‌اند. قطر و مراکش مدت‌هاست در اثر کشمکش با عربستان نیروهای خود را از یمن خارج کرده‌اند. به دیگر سخن «ائتلاف اسلامی» آنچنان «آب رفته است» که تا فروپاشی کامل آن یک گام بیشتر نمانده است. به همین دلیل عربستان دست به دامان امریکا گشته است، تا کمبود «ائتلاف» را جبران کند. نیویورک تایمز اما چندی پیش گزارش داد که «محمد بن سلمان از امریکا درخواست کرده تا حضور خود در این جنگ را جهت جبران خلاء ناشی از خروج امارات افزایش دهد. کنگره افزایش حضور امریکا در جنگی که پیش از این رأی به پایان حضور و اشنگتن در آن را داده است، تصویب نخواهد کرد».

«امریکن کانزرواتیو» نیز نوشت «جنگ برای یمن آثار فاجعه‌باری به بار آورده است. اما علاوه بر این برای امنیت عربستان سعودی نیز وحشتناک بوده است. پایان دادن ریاض به این کارزار بهترین راه برای جلوگیری از حملات پهپاد و راکتی یمنی‌ها به داخل عربستان است». و ادامه می‌دهد: «عربستان در یمن به هیچ یک از اهداف خود دست نیافته است... خروج از یک جنگ شکست خورده برای بن سلمان شرمناک خواهد بود، اما ماندن در باتلاق افتخارات گمراه کننده به مراتب تحقیرآمیزتر و ویرانگرتر است».

پایداری مردم یمن در مبارزه به خاطر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور خود بی‌نظیر است. آنها این خصلت و روحیه مقاومت در سلطه ستیزی را در تاریخ حیات خود بارها نشان داده‌اند. وجود همین روحیه در ارتش و کمیته‌های مردمی یمن است که پوزة ارتش متجاوز عربستان و متحدینش، که امریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان آنها را تا دندان مسلح کرده‌اند و ۴ سال آزار تجاوز وحشیانه و جنایت علیه بشریت را اعمال کردند، به خاک مالید. متجاوزان علی‌رغم برخورداری از نیروی زمینی، هوایی، بحری و تبلیغاتی نتوانستند بر ارتش و کمیته‌های مردمی، که شانه به شانه

به صورت حیرت‌آوری خط جبهه را می‌شکستند و به پیش می‌رانند، غلبه کنند. غلبه بر چنین نیروئی برای متجاوزان غیر ممکن گشته است.

علی رغم گوزدهای بین‌المللی به «ائتلاف عربی» و عربستان که به خصوص در بندر «الحدیده» شرایط جانکاه انسانی به‌وجود آورده بود، آنها به حملات وحشیانه خود ادامه دادند که با مقاومت جانانه نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی روبه‌رو شدند؛ که در عین حال منجر به تلفات زیادی میان نیروهای مزدورشان نیز گشت. عربستان سعودی به همراه «ائتلاف» ش ۴ سال پیش با عملیات «طوفان قاطعیت» در مارچ ۲۰۱۵ جنگ علیه یمن را آغاز کرد و قرار بود که در مدت زمانی کمتر از یک ماه یمن را به تصرف خود درآورد. و امروز نیز با عناوینی نظیر «رعد سرخ» و «پیروزی طلایی»!! با هدف فتح «الحدیده» و سایر مناطق ستراتیژیک یمن، علی‌رغم ویرانگری و خونریزی در اثر مقاومت جانانه ارتش و کمیته‌های مردمی راه به جایی نبرده و با شکست کامل مواجه گشته است. این شکست به طور قطع سلطه بلامنازع عربستان و اربابانش بر آب‌های خلیج عدن تا سواحل سومالی و باب‌المندب را دشوار خواهد ساخت.

باید توجه داشت که مردم یمن علی‌رغم کمبود آب، نامناسب بودن زمین‌های کشاورزی، افزایش جمعیت، تغییرات اقلیمی، بیکاری، کمبود مواد غذایی، فقدان خدمات بهداشتی و کمبودهای فاحش نظام آموزشی که یمن را به یکی از فقیرترین کشورهای جهان تبدیل کرده است، به چنین مقاومت جانانه‌ای دست یازیده‌اند.

مردم یمن به هیچ وجه طالب جنگ نیستند. در نومبر گذشته بود که «محمدعلی الحوثی»، رئیس کمیته عالی انقلاب یمن در بیانیه‌ای اعلام داشت که ارتش و کمیته مردمی یمن آماده توقف حملات و عملیات نظامی در تمام جبهه‌ها هستند، تا صلح عادلانه و عزتمند برقرار شود، البته اگر کشورهای متخاصم عملاً خواهان صلح برای ملت یمن باشند. ولی ارتجاع متخاصم که کماکان هدفش سلطه بر این کشور به خاطر موقعیت ستراتیژیک مهمش می‌باشد، گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست. هم اکنون جدائی‌طلبان، که گویا به دنبال کسب مجدد استقلال خود هستند، امری که در سال ۱۹۹۰ از دست دادند، سر از تخم بیرون آورده‌اند و مورد حمایت همه جانبه امارات قرار دارند. درگیری‌های میان نیروهای جدائی‌طلب («شورای انتقالی جنوب») و طرفداران رئیس‌جمهور فراری این کشور، «منصور هادی» در جنوب یمن آغاز شده است. نیروهای موسوم به «کمر بند امن» - شاخه نظامی «شورای انتقالی جنوب» - تحت حمایت مستقیم امارات، موفق شدند مناطق نظامی پادگان‌ها و قصر ریاست جمهوری حکومت منصور هادی فراری را تصرف کنند. اکنون هدف امارات تجزیه یمن است.

نیروهایی که تا دیروز در کنار طرفداران «منصور هادی» رئیس‌جمهور فراری به عربستان علیه حوثی‌ها می‌جنگیدند، امروز تحت نام «کمر بند امن» (قوات الحزام الامنی) وارد یک درگیری خونین با آنها شده و تنها پس از چند روز کنترل عدن را به دست گرفته‌اند.

به دیگر سخن دو نیروی اصلی «ائتلاف» یکی عربستان به پشتیبانی «منصور هادی» و طرفدارانش و دیگری امارات به پشتیبانی جدائی‌طلبان عملاً مقابل هم ایستاده‌اند. «منصور هادی» نیز جدائی‌طلبان را کودتاچی می‌خواند و امارات هم از لزوم «مذاکرات» دم می‌زند! عربستان در این میان فعلاً خفقان گرفته است.

می‌بینیم که دعوا، آنطور که رسانه‌های غربی به خورد مردم می‌دهند، بر سر شیعه و سنی و یا جنگ "اسلامی" و یا جنگ نیابتی میان ایران و عربستان سعودی نیست، بلکه بر سر سلطه بر یمن و بنادر ستراتیژیکش «الحدیده» و عدن ... است. سلطه بر عدن هم برای امارات و هم برای عربستان و هم برای اروپا و امریکا حائز اهمیت است. اکنون امارات ۹۰ هزار سرباز را که اکثراً جدائی‌طلب گشته‌اند، در عدن برای جنگ آموزش می‌دهد. به دیگر سخن گرچه نیروهای

خود را از یمن خارج می‌کند، اما به پشتیبانی همه جانبه جدائی‌طلبان، جهت وابسته‌کردن آنها به خویش برخاسته است تا نفوذ و قدرت خود را در این منطقه افزایش دهد و شرایط را برای تجزیه یمن آماده سازد.

ارتجاع عرب از آنجا که در تصرف یمن تیرش به سنگ خورده است، درصدد تجزیه یمن برآمده است. هم اکنون جدائی‌طلبان جنوب که تحت حمایت امارات می‌باشند، خواهان تشکیل کشور مستقل هستند که این امر بدون تردید در میان گروه‌های یمنی که تاکنون تحت فرمان نیروهای «ائتلاف» بوده‌اند، انشقاق به وجود خواهد آورد. بیهوده نیست عربستان، که خواهان آتش بس فوری در عدن، «پایتخت» حکومت «منصور هادی» فراری است، تهدید کرده است که در غیر اینصورت علیه آنها اقدام نظامی خواهد کرد. اما جدائی‌طلبان که کاخ ریاست جمهوری را تصرف کرده‌اند، گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست. به این ترتیب شهر عدن که تا اواسط مرداد تحت کنترل نیروهای «ائتلاف» به رهبری عربستان بود، اکنون شاهد درگیری‌های خونین شده است.

به این ترتیب علی‌رغم پیروزی حوثی‌ها در شمال یمن، این کشور عملاً به سمت تجزیه پیش می‌رود و شرایط زندگی برای مردم ستمدیده این کشور را سخت‌تر خواهد کرد. در این میان ایرانیان خودفروخته با این بهانه که جمهوری اسلامی از مبارزات مردم یمن پشتیبانی می‌کند، هم‌آوا با امریکا، اسرائیل و عربستان مبارزات بحق مردم یمن علیه «ائتلاف»، مبارزه آنها برای استقلال و تمامیت ارضی کشورشان را تخطئه کرده و آن را محصول رقابت ایران و عربستان و انمود می‌کنند. اینها همان کسانی هستند که آرزو دارند مردم ایران نیز دچار همان سرنوشتی شوند که مردم یمن، عراق، سوریه و لیبیا شده‌اند. آنها خواهان ایرانی تجزیه شده هستند. آنها نه تنها از تحریمات و تهدیدات امریکا، اسرائیل، عربستان و انگلستان علیه ایران پشتیبانی می‌کنند، بلکه جهت «تحقق حقوق بشر و آزادی‌های دموکراتیک» از سوی آنها، خواهان تجاوز نظامی به کشور ما هستند، تا خودفروختگان نیز به نان و نوائی برسند.

کسانی که به مبارزه استقلال‌طلبانه خلقها اعتقادی ندارند مغزشان قد نمی‌دهد تا درک کنند ماهیت جنگی که در یمن در جریان است جنگی عادلانه، مترقی، انقلابی به ضد امپریالیسم، صهیونیسم و وهابیسیم است. از مبارزه مردم یمن که دارای مضمونی انقلابی است باید با تمام قواء دفاع کرد. شکست انقلاب در یمن راه تجاوز امپریالیسم و وهابیسیم را به ایران هموار می‌کند. فقط نابینایان سیاسی و یا مزدوران آگاه در کتمان این حقیقت پافشاری می‌کنند.

برگرفته از توفان شماره ۲۳۵ مهر ماه [میزان] ۱۳۹۸ - سپتامبر سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org